

عبدالحمید

ویژه‌نامه بیست و چهارمین سال یاد شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری

بخش دوم



گفتگوها



گفتگو



همیشه بر نفس خویش مسلط بود

مصاحبه با داکتر رسول طالب

از یاران استاد شهید مزاری و مشاور ارشد رئیس جمهوری اسلامی افغانستان.

راهگشایی کند. در مورد مسئله افغانستان، جهاد، مبارزه و سرنوشت جمعی و مسائل مهم مردم ما کار می کردیم و علاقه مندی داشتیم.

پنیاواپیش: ویژگی های شخصیتی شهید مزاری چقدر در جذب شما به سازمان نصر و بعداً حزب وحدت تأثیرگذار بود؟

داکتر طالب: البته ما پیش از دیدار با شهید مزاری و از

پنیاواپیش: از آشنایی خود با شهید مزاری بگوئید!

داکتر طالب: اولین بار استاد شهید مزاری را در سال ۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱ در تهران دیدم و آشنایی من با استاد شهید، از سازمان نصر شروع شد. ایشان از اعضای شورای مرکزی سازمان نصر بود و من نیز از اعضای آن سازمان بودم. سازمان نصر مسیر سیاسی بود که انتخاب کرده بودیم و امیدوار بودیم این سازمان بتواند برای مردم ما

رفع این بی‌عدالتی‌ها بوده است. البته رفع محرومیت و تأمین عدالت که شهید مزاری شعار می‌داد، تمام مردم و اقوام افغانستان را در برمی‌گرفت و تنها شامل هزاره‌ها نبوده است. به دلیل این که؛ بی‌عدالتی و محرومیت یک پدیده‌ای سراسری و افغانستان شمول بود. طرح شهید مزاری و شعار ایشان برای تأمین عدالت، مخالف جدی نداشت و به صورت کل، اقوام و اقلیت‌های افغانستان و حتی بخشی از اقوام بزرگ، نیز تأمین عدالت را می‌خواستند. بیرون کردن افغانستان از آن شرایط، خواست همه بود؛ چون نارسایی‌ها به صورت یک پدیده واقعی وجود داشت و تحولاتی قبل از کودتای ۷ ثور هم نشانی از این بحث است. واقعیت قضیه این است که شهید مزاری در درک پیچیدگی‌های سیاسی و مسائل مهم روز یک استعداد، توانایی و انگیزه فوق‌العاده داشت.

کسانی تلاش کرده‌اند که به شهید مزاری برچسب قومی بزنند؛ اما بحث عدالت فراتر از قوم و تبار است و شهید مزاری دقیق بر رفع محرومیت‌ها و ستم‌ها تأکید می‌کرد. شاید هرچند مورد نظر ایشان در یک قسمت هزاره‌ها بوده باشد؛ چون هزاره‌ها بیش‌ترین بار محرومیت و تبعیض و بی‌عدالتی را با خودشان حمل می‌کردند؛ اما به صورت کلی بحث شهید مزاری از عدالت اجتماعی شامل حال همه اقشار و اقوام محروم در افغانستان بود و تلاش ایشان این بود که یک افغانستان شهروندمحور پدید آید نه تبار و قوم محور.

بناوایش: شهید مزاری در غرب کابل سخنانی گفت که برای بسیاری تازگی داشت و شاید در آن زمان غیرمنتظره بود؛ مثلاً گفت می‌خواهیم بعد از این هزاره بودن در افغانستان جرم نباشد و به همین دلیل برخی خرده گرفتند که مزاری از فاز تفکر دینی خارج شده و وارد فاز قوم‌گرایی شده است، توضیح شما در این ارتباط چیست؟

طریق آشنایی با سایر دوستان، وارد سازمان نصر شده بودیم؛ ولی تأثیرگذاری شهید مزاری بر ما خیلی زیاد بود. در آن ایام که ما جوان بودیم، علاقه‌مندی و انگیزه‌های دینی بیشتر از تحلیل اوضاع و مسائل سیاسی، ما را انگیزه می‌داد، به همین دلیل ما و تعدادی از جوانان سازمان نصر، به ابتکار استاد شهید در یک برنامه آموزشی ایدئولوژیک شامل شدیم.

بناوایش: برداشت شما از تأکید شهید مزاری بر عدالت اجتماعی چیست؟

دکتر طالب: بحث عدالت اجتماعی به عنوان یک راهبرد و پالیسی برخاسته از تفکری است که آن را از عمده‌ترین محورها در نگاه و عملکرد سیاسی شهید مزاری می‌دانم و البته عمده‌ترین موضوع در عدالت اجتماعی منافع مردم ما است. وقتی که بحث منافع پیش می‌آید، تاریخ سیاه گذشته مردم شیعه و هزاره در چشم‌ها مجسم می‌شود که تاکنون هم، این روند کماکان ادامه یافته است. مردم ما مسیر تلخ و دردناکی از بی‌عدالتی و تبعیض را سپری کرده‌اند و حقوق زیادی از این مردم تضییع شده است و نادیده گرفته شده است. حقوق این مردم در خیلی از

موارد نقض شده است و شهید مزاری نیز از همین تجربیات تلخ، انگیزه گرفت.

بحث مردم و منافع مردم در موضع‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه، برای شهید مزاری مهم بود. این مسئله را از این جهت می‌خواهم برجسته کنم که معیارهای تصمیم‌گیری شهید مزاری، با معیارهای سیاستمداران امروزی ما دارند، فاصله و تفاوت فراوان دارد. بحث عدالت اجتماعی که شهید مزاری و حزب وحدت بر آن تأکید می‌کرد، با در نظر داشت محرومیت‌ها و مشکلاتی بوده است که در تاریخ گذشته این مردم وجود داشته است. موضع‌گیری‌های شهید مزاری در غرب کابل نیز تأکید بر



این نظر بودند که حزب با دولت کنار بیاید و دلیل‌شان این بود که اقوام به اصطلاح محکوم، فرصت همبستگی را از دست ندهند؛ اما شهید مزاری این را نپذیرفت. می‌خواهیم توضیحات شما را به عنوان کسی که به شهید مزاری نزدیک بودید، بشنویم که چرا حزب وحدت نتوانست با دولت استاد ربانی به توافقی دست پیدا بکند و کار به جنگ کشید؟

دکتر طالب: متأسفانه تعدادی هستند که خیلی غیرمنصفانه مطرح می‌کنند که شهید مزاری جز جنگ چیز دیگری نمی‌خواست؛ اما این عادلانه نیست. یکی دو مورد را خدمت‌تان عرض می‌کنم. اول؛ یکی از مقاطع مهم تاریخ ما که بسیاری از قضایا در درون آن شکل گرفت، شکل‌گیری حکومت مجاهدین در پشاور بود که روشنفکران و باسوادان ما باید این مقطع را جست‌وجو و تحقیق کنند. ما در مذاکرات شکل‌گیری حکومت در پشاور شریک بودیم و حزب وحدت نماینده داشت؛ اما شبی که حکومت در پشاور تشکیل شد، حزب وحدت حضور نداشت، حکومت از احزاب هفت‌گانه پشاور تشکیل شد، که بعدها در سال ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور غنی در یک سخنرانی که می‌گوید شهید مزاری مسیر

تاریخ را تغییر داد، ناظر بر همین مقطع است. احزاب پشاور، حزب وحدت را حتی در حدی ندانستند که شریک حکومت شود و یا نظر این‌ها را بپرسند. فکر کردند که این‌ها در حدی نیستند که مسائل با این‌ها شریک شود. از این‌رو، شهید مزاری دو گزینه بیشتر نداشت؛ یا نادیده گرفتن حزب وحدت توسط احزاب هفت‌گانه پشاور را قبول کرده و از خیر حضور در حکومت و نقش مردم هزاره افغانستان می‌گذشت و یا این‌که در مقابل این‌ها موضع می‌گرفت. بنابراین، در این دوراهی، مزاری کسی نبود که نادیده گرفتن مردم‌ش را تحمل کند و چشم‌بسته از این مهم بگذرد.

دکتر طالب: این تعبیر و برداشت درست نیست. بخشی از این بحث‌ها سطحی است و بخشی از این حرف‌ها از مسائل و گرایش‌های سیاسی متضاد سرچشمه می‌گیرد و بخشی هم از ناآگاهی بعضی‌ها از مسائل مهم سیاسی و اجتماعی ناشی می‌شود. گذر زمان بعضی از نیازمندی‌ها را پدید می‌آورد و نیاز و مقتضیات زمان را نباید از نظر دور داشته باشیم. مثلاً وقتی که جهاد شروع می‌شود، بحث جهاد یک بحث دینی است تا سیاسی و در جهاد افغانستان تفکر و انگیزه دینی نقش اساسی‌تری نسبت به انگیزه‌های دیگر داشت و این‌گونه انگیزه‌ها مردم را علیه حکومت وقت برانگیخت؛ اما زمان حضور شهید مزاری در کابل بحث بنیانگذاری یک نظام سیاسی

در آینده افغانستان مطرح بود و شهید مزاری درک ظرفیتی از اوضاع داشت. از این‌رو، نگرانی‌ها از نوع نظام آینده، ایشان را وارد تصمیم‌گیری و موضع‌گیری سیاسی کرد که باید مطابق اقتضات زمان می‌بود. وقتی که بحث شهید مزاری در این مسائل متمرکز می‌شود، این حرف‌ها نیز به او نسبت داده می‌شود. از این‌رو، همان گفته مشهورش را بیان می‌کند که: «در افغانستان شعارها مذهبی و عملکردها قومی است.» این نشان می‌دهد که او هرگز در تصمیم‌گیری‌ها در فاز تفکر

قومی نبوده است و برای ترجیح تفکر قومی هرگز فکر نکرد؛ ولی چون موضع‌گیری‌ها در این مرحله از تاریخ قومی بود، برخی‌ها، فکر می‌کردند که مزاری قومی می‌اندیشد؛ چون سیاستمداران در آن زمان کوشش می‌کردند که هویت قومی را برجسته کنند تا جایگاهی برای خودشان پیدا کنند؛ اما برای مزاری تصمیم‌گیری سیاسی مهم‌تر بود. ایشان تا آخر زندگی خویش اصول اسلامی و موضع‌گیری عادلانه را فراموش نکرد؛ بلکه خیلی هم جدی مراعات می‌کرد.

بنیادین: جمعی در داخل حزب وحدت اسلامی بر

رسانی و احمدشاه مسعود اشتباه تاریخی که مرتکب شدند، این بود که نتوانستند یا نخواستند این ایده را بپذیرند که همه مردم افغانستان در تصمیم‌گیری‌ها شامل باشند. بلکه وزارت دادند و امتیاز هم دادند؛ ولی تصمیم‌گیری‌ها را برای عده‌ای خاص می‌خواستند. متأسفانه حکومت آن وقت نتوانست این مسئله را مدیریت کند. همین امتیازات را هم، زمانی قبول کرد که خیلی از جنگ‌ها اتفاق افتاده بود و مردم خسارات سنگینی را متحمل شده بودند و آن‌ها به این باور رسیده بودند که نادیده گرفتن این مردم ناممکن است. همان وزارت‌هایی را که داده بودند هم دست‌کاری می‌کردند. مثلاً وزارت امنیت را وقتی که به هزاره‌ها تعلق گرفت، تغییر دادند و به ریاست تبدیل کردند. شهید مزاری حتی همین ریاست را هم قبول داشت؛ ولی آن‌ها به این عقیده بودند که هزاره‌ها شایستگی این اداره را ندارند. لذا مشکل متوجه حکومت وقت بود نه شهید مزاری.

پیشانی‌نویس: شهادت شهید مزاری تا حدی در حاله‌ای از ابهام است؛ زمانی که ملا عبدالمنان نبازی سخنگوی طالبان اسارت شهید مزاری را از طریق رادیو بی‌بی‌سی اعلان کرد، شما به عنوان نماینده حزب وحدت در پشاور پاکستان چه تلاش‌هایی را انجام دادید که کار به جای خطرناکی نرسد؟

دکتر طالب: بحث شهادت شهید مزاری خیلی پیچیده است و عوامل مختلفی در آن دخیل است. یکی از گله‌های من از بزرگان سیاسی بعد از مزاری این است که یک تحقیق جدی در مورد نحوه و عوامل شهادت مزاری انجام ندادند. صرف یک تحقیق! بعد از سال ۲۰۰۱ پول‌های هنگفتی در جاهای مختلف و شاید هم بیهوده به مصرف رسیدند؛ ولی در این رابطه هیچ تحقیقی صورت نگرفت و شهید مزاری این حق را بر ما داشت. نه تنها حق داشت که ما مدیون شهید مزاری

شهید مزاری در همین مورد می‌گوید؛ ما از این کشور هستیم و جهاد کردیم و مناطق خود را آزاد کردیم و در سربلندی و آزادی وطن سهم داشتیم، لذا در جایی که برای کشور تصمیم‌گیری می‌شود اگر حضور نداشته باشیم، این را نمی‌پذیریم. اتفاقاً بعد از تشکیل حکومت احزاب هفت‌گانه در پشاور، استاد سیاف در مصاحبه معروفی که داشت می‌گوید که حرف حزب وحدت را در کابل می‌زنیم. لذا با این وضع، بحث گفت‌وگو کاملاً منتفی شد.
بحث دوم؛ قبل از این توافق، شهید مزاری با ژنرال دوستم و شهید مسعود در جیل السراج توافقاتی داشت که بعد از سقوط کابل متأسفانه برهم خورد.

پیشانی‌نویس: می‌دانیم که برخی از مسئولان و مقامات حزب وحدت طرفدار همکاری با دولت شهید ربانی بودند و انتقادشان بر شهید مزاری این بود که دولت وزارتخانه‌هایی مانند مالیه، تجارت و امنیت ملی را به حزب واگذار کرد؛ اما ایشان نپذیرفت و وارد یک جنگ بی‌دلیل با دولت شد. شما در این ارتباط چه نظری دارید؟

دکتر طالب: دقیقاً اشتباه در همین جا است، شهید مزاری بحث صرف حضور در نظام سیاسی را مطرح نمی‌کرد؛ بلکه موضوع بحث شهید مزاری کشورشمول و تشکیل یک نظام سیاسی برای کشور بود، نه گرفتن چند وزارت و یا اداره. شهید مزاری می‌گفت ما باید در تصمیم‌گیری‌های افغانستان شریک باشیم نه این‌که تعدادی تصمیم بگیرند و بعد حزب وحدت را بگویند که فلان اداره سهم شما است. ایشان می‌گفت؛ وقتی که افغانستان مال همه مردم است، باید همه مردم افغانستان به اندازه شعاع وجودی‌شان در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند. هر چند من علاقه ندارم که این زخم‌ها را تازه کنم؛ ولی متأسفانه شهید

شهید مزاری بحث صرف حضور در نظام سیاسی را مطرح نمی‌کرد؛ بلکه موضوع بحث شهید مزاری کشورشمول و تشکیل یک نظام سیاسی برای کشور بود، نه گرفتن چند وزارت و یا اداره.



هستیم که تحقیقی جامعی صورت بگیرد تا از چگونگی شهادت ایشان معلوماتی به دست آوریم.

عوامل مختلفی بر پیچیدگی اوضاع در آن زمان مؤثر واقع شد و کار را به جایی کشاند که نباید کشیده می‌شد. این واقعه تصادفی نبود که به حادثه دلخراش بینجامد؛ منظورم شهادت شهید مزاری است. سرنوشتی که شهید مزاری دچار آن شد، برای هیچ کدام از رهبران جهادی و سران اقوام دیگر پیش نیامد. به علاوه شهادت مزاری، تحقیر و توهینی که

در شیوه شهادت مزاری بود، نشان‌گر این است که هزاره‌ها را شایسته این گونه رویه می‌دانستند.

به هر صورت، ما در پاکستان تلاش‌های زیادی کردیم، محافلی را که فکر می‌کردیم تأثیرگذار است، برگزار کردیم، صحبت‌ها و مذاکرات فراوان را راه انداختیم و صحبت‌های دیپلماتیک زیادی هم صورت گرفت؛ ولی متأسفانه ثمری نداشت و شهادت شهید مزاری اتفاق افتاد. آن زمان آقای خلیلی هم در پاکستان بود.

سرنوشتی که شهید مزاری
دچار آن شد، برای هیچ کدام
از رهبران جهادی و سران
اقوام دیگر پیش نیامد. به علاوه
شهادت مزاری، تحقیر و
توهینی که در شیوه شهادت
مزاری بود، نشان‌گر این است
که هزاره‌ها را شایسته این گونه
رویه می‌دانستند.

دچار بیماری شده است. به عقیده من بعد از ۲۰۰۱ سیاست مردم ما در مقابل حوادث و شرایط جدیدی قرار می‌گیرد، چنانچه شهید مزاری نیز در کابل با چنین تحولات و شرایطی مواجه بود؛ اما محورهای بحث در مورد میراث‌های شهید مزاری باید گفت که در بازآفرینی شرایط جدید از میراث‌های شهید مزاری به خوبی استفاده نکردیم و در شرایط جدید خیلی از میراث مزاری به اقتضای زمان و به صورت غیربنیادی استفاده کردیم. خصوصیات سیاست ورزی بیمار را جدی ملاحظه

می‌کنم؛ اما خیلی نمی‌خواهم وارد این بحث شوم تا مبدا دل‌رنجی‌ها پیش نیاید. ما می‌توانستیم اصول و ارزش‌هایی را که شهید مزاری ترسیم کرده بود، به عنوان راهنمای راه، برای فعالیت‌های سیاسی خود قرار بدهیم؛ اما در این راستا کوتاه آمده‌ایم و بعد از شهید مزاری در حفظ و نگهداری، تکامل و انکشاف میراث‌های شهید مزاری ناکام بوده‌ایم.

پیداایش: بعد از ۲۰۰۱ که فصل جدیدی در تاریخ سیاسی افغانستان رقم می‌خورد، تا کجا توانسته‌ایم به سوی آرمان‌های شهید مزاری در محورهای عدالت اجتماعی و مطالبات سیاسی مردم ما حرکت کنیم؟

❖ **داکتر طالب:** به عقیده من در سطح کل کشور پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. تدوین قانون اساسی و ایجاد نظام مبتنی بر قانون اساسی و به‌طور کلی با توجه به مشکلاتی که مردم ما تا حال در راستای تأمین عدالت دارند، پیشرفت‌هایی وجود داشته است. شهید مزاری نیز ایجاد یک چنین نظام را می‌خواست. در سخنرانی‌های مختلف ایشان همین مسائل مطرح شده است و این را به دیده یک پیشرفت بنیادی می‌نگریم. حالا با مطرح شدن بحث‌های جدید در مورد صلح و ایجاد حکومت

پیداایش: مهم‌ترین میراث سیاسی شهید مزاری چیست؟ وارثان سیاسی شهید مزاری در پاس داشت و پیروی از آرمان‌ها و افکار شهید مزاری تا چه حد موفق بوده‌اند؟

❖ **داکتر طالب:** مهم‌ترین میراث سیاسی شهید مزاری حزب وحدت اسلامی افغانستان است. حزب مقتدر و قوی که توانست آرمان‌های دیرین مردم را تا حدی تحقق ببخشد؛ اما بخش عمده میراث مزاری ارزش‌های فکری و اندیشه‌های سیاسی او است. در مورد میراث‌داران شهید مزاری گرچند این بحث جنجالی است و حتی صحبت در این مورد تنش‌زا و جنجالی خواهد بود؛ اما من، به تازگی بحثی را تحت عنوان سیاست‌ورزی بیمار هزاره‌گی مطرح کرده‌ام که ماهیت سیاست‌ورزی ما

پنجاه و نهمین: خاطره‌ای اگر از شهید مزاری دارید، بفرمایید.

دکتر طالب: خاطره‌ جالبی دارم. یک روز بعد از ظهر استاد شهید اتاق ما آمد و نان چاشت نخورده بود. گفت نان دارید؟ ما گفتیم نه نداریم؛ اما از بیرون می‌آوریم. وقتی ما خواستیم از بیرون چیزی برایش بیاوریم، قبول نکرد و گفت هر چه که در دستر خوان بود می‌خورم. در دستر خوان فقط چند پارچه نان باقی مانده از دیگران مانده بود، ایشان این نان‌ها را خورد و به همان اکتفا کرد. این قضیه تأثیر بسیار بر من داشت و نشان این بود که یک فرد تا چه حد برای تغییر سرنوشت مردمش از خودش مایه می‌گذارد. این آشنایی‌ها دوام یافت و او همیشه یک شخصیت و رهبر مسلط بر نفس خویش باقی ماند و بر دیگران نیز تأثیر داشت.

پنجاه و نهمین: سوال آخر را کمی شخصی‌تر می‌پرسیم؛ مقارن با سقوط بامیان توسط طالبان شما به آمریکا رفتید، حال آن‌که حضور شما در پاکستان نیاز بود. دلیل این موضوع را می‌شود برای خوانندگان ما بیان کنید؟

دکتر طالب: یک قسمت سوال باید اصلاح شود و آن این‌که من در آمریکا بودم که بامیان سقوط کرد. این بحث مقداری جنجالی است و من تا حال این بحث را مطرح نکرده‌ام. من در پاکستان نماینده سیاسی حزب وحدت بودم؛ اما من مجبور شدم که پاکستان را ترک کنم. در پاکستان زندان رفتم و بعد از رهایی ترکیه رفتم، از ترکیه با آقای خلیلی در بامیان صحبت و عرض حال کردم. آقای خلیلی به من گفت که به آمریکا برو و ارزیابی از اوضاع افغانستان در آمریکا داشته باش، لذا به آمریکا رفتم؛ اما در آمریکا بنای ماندن نداشتم؛ اما ناچار شدم که مدتی در آن جا بمانم.



موقت به عقیده ما حفظ نظام سیاسی کنونی به منفعت

مردم ما است. در سال‌های پیش رو امیدواریم، با در نظر داشت مشکلات که وجود دارد، شکست‌ها و نارسیدن‌های مردم ما به آرمان‌های‌شان رفع شود. مسائل مربوط به تأمین عدالت اجتماعی که حرکت به همین سمت پیش می‌رود، امید است که جدی‌تر مراعات شود؛ اما آن‌چه که با دیدگاه شهید مزاری نزدیکی دارد، مسئله صلح و دوام نظام موجود مبتنی بر قانون اساسی و حفظ ارزش‌های موجود است که از آن باید حمایت شود.

به عقیده من در سطح کل کشور پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. تدوین قانون اساسی و ایجاد نظام مبتنی بر قانون اساسی و به‌طور کلی با توجه به مشکلاتی که مردم ما تا حال در راستای تأمین عدالت دارند، پیشرفت‌هایی وجود داشته است. شهید مزاری نیز ایجاد یک چنین نظام را می‌خواست.